

LECTURES CLE EN FRANÇAIS FACILE

خوانش فرانسه ساده

LES TROIS MOUSQUETAIRES

سه تفنگدار

ALEXANDRE DUMAS

الکساندر دوما

مترجم: میترا بلخاری

Adapté en français facile
par Brigitte Faucard-Martinez

بازنویسی فرانسه ساده
نوشته‌ی بریجیت فوکارد مارتینز

ویراستار علمی: فرناز ساسانی
عضو هیئت علمی دانشگاه علامه طباطبائی



VesalBookshop.com

سرشناسه	فوکار، بریژیت
عنوان و نام پدیدآور	Faucard, Brigitte
مشخصات نشر	سه تفنگدار/ الکساندر دوما ؛ مترجم میترا بلخاری ؛ بازنویسی فرانسه ساده نوشته‌ی بریژیت فوکار مارتینز ؛ ویراستار علمی فرزاد وصال.
مشخصات ظاهری	تهران: کتابسرای وصال، ۱۳۹۸.
فروست	۱۲۲ ص: مصور؛ ۱۴/۵×۲۱/۵م.
شابک	خواندن متون فرانسه‌ی ساده= Lectures cle en francais facile.
وضعیت فهرست نویسی	۹۷۸-۶۲۲-۶۴۵۴-۱۰-۰ ریل: ۲۰۰۰۰
یادداشت	فیبا
یادداشت	فارسی - فرانسه.
یادداشت	عنوان اصلی: La trois mousquetaires.
موضوع	واژه‌نامه.
موضوع	زبان فرانسه -- کتاب‌های قرانت
موضوع	French language -- Readers
موضوع	داستان‌های فرانسه -- قرن ۱۹م.
موضوع	French fiction -- 19th century
موضوع	زبان فرانسه- راهنمای آموزشی -- فارسی‌زبانان
موضوع	French language -- Study and teaching-- Persian speakers
شناسه افزوده	بلخاری، میترا، ۱۳۷۲- مترجم
شناسه افزوده	Bolkhari, Mitra
شناسه افزوده	مسائلی، فرزاد، ۱۳۵۱-، ویراستار
شناسه افزوده	Sassani, Farnaz
شناسه افزوده	دوما، الکساندر، ۱۸۰۲ - ۱۸۷۰ م. سه تفنگدار.
رده بندی کنگره	۹۱۳۹۸ س۹ف/۹۷/۲۱۱۷PC
رده بندی دیویی	۴۴۸/۶۴۴
شماره کتابشناسی ملی	۵۶۰۰۶۹۶



عنوان: سه تفنگدار

نویسنده: الکساندر دوما

مترجم: میترا بلخاری

قطع کتاب: رقی

ناشر: کتابسرای وصال

نوبت چاپ: اول ۱۳۹۸

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۶۴۵۴-۱۰-۰

«حق چاپ محفوظ است» هرگونه کپی برداری به صورت چاپی یا انتشار در فضای مجازی کاملاً ممنوع است.

مرکز بخش: فروشگاه انتشارات کتابسرای وصال

نشانی: تهران، خیابان انقلاب، خیابان وصال شیرازی، پلاک ۱۹

شماره های تماس: ۰۲۱۶۶۹۶۸۲۲۳-۶۶۹۵۴۶۴۸

خود آلاین VesalBookshop.com



ALEXANDRE DUMAS naît en Normandie en 1802. Il perd son père à l'âge de quatre ans.

À quatorze ans, pour aider sa famille, il devient clerc¹ de notaire.

En 1822, il part à Paris et commence à écrire. La représentation du drame *Henri et la cour*, en février 1829, lui ouvre les portes du succès.

Il écrit d'abord pour le théâtre, puis il écrit des romans. Avec le *Comte de Monte-Cristo* (1844), il devient célèbre. Il écrit alors d'autres romans à succès, publiés parfois sous forme de feuilletons² : *Les Trois Mousquetaires* (1844), *Vingt ans après* (1845), *La Reine Margot* (1845).

Il meurt en 1870.

* * *

1. Clerc de notaire : employé d'un notaire.

2. Feuilletons : chapitres ou passages de romans qui sont publiés tous les jours dans un journal.

الکساندر دوما در سال ۱۸۰۲ در نورماندی متولد شد. او پدرش را در سن چهار سالگی از دست می‌دهد. در چهارده سالگی، برای کمک کردن به خانواده‌اش، منشی سردفتردار اسناد رسمی می‌شود. در سال ۱۸۲۲، عازم پاریس می‌شود و شروع به نوشتن می‌کند. ارائه‌ی نمایشنامه *هانری و دربار*، در فوریه ۱۸۲۹، درهای موفقیت را به روی او باز می‌کند.

او ابتدا برای تئاتر می‌نویسد، سپس رمان می‌نویسد. با *کنت مونت-کریستو* (۱۸۴۴)، مشهور می‌شود. او رمان‌های موفق دیگری نیز می‌نویسد که گاهی در قالب داستان‌های دنباله‌دار به چاپ می‌رسد: *سه تفنگدار* (۱۸۴۴)، *بیست سال بعد* (۱۸۴۵)، *ملکه مارگو* (۱۸۴۵). او در سال ۱۸۷۰ از دنیا می‌رود.

Dans *Les Trois Mousquetaires*, roman historique d'Alexandre Dumas, le héros principal est d'Artagnan, un jeune homme courageux et rusé, qui lutte contre les hommes du cardinal de Richelieu.

Le succès de ce roman étant très important, Dumas décide de faire réapparaître son héros dans deux autres romans : *Vingt ans après* (1845) et *Le Vicomte de Bragelonne* (1848-1850).

Mais qui est d'Artagnan ? Un véritable personnage ou un héros inventé par Alexandre Dumas ? D'Artagnan (Charles de Batz) naît en 1611. Il sert le roi Louis XIII puis Louis XIV et devient capitaine des mousquetaires*, Il meurt à Maëstricht en 1673.

Pour écrire son roman, Dumas s'inspire donc de personnages réels qui ont joué un rôle dans l'histoire de France : Louis XIII, Anne d'Autriche, Richelieu, etc. Avant d'entrer dans la lecture du roman, voici quelques mots sur certains de ces personnages si célèbres.

Louis XIII : roi de France (1610-1643), fils d'Henri IV et de Marie de Médicis. Il épouse Anne d'Autriche en 1615 et ils ont deux fils, Louis XIV et Philippe d'Orléans. Toutes ses actions sont en accord avec celles de son ministre Richelieu.

Richelieu (Armand Jean du Plessis, cardinal, duc de) : Ministre de Louis XIII ; pendant toute sa vie politique, son seul but est de restaurer l'autorité royale et d'établir la supériorité française en Europe.

Les mots ou expressions suivis d'un astérisque* dans le texte sont expliqués dans le Vocabulaire, page 59.

در سه تفنگدار، رمان تاریخی الکساندر دوما، قهرمان اصلی دارتانیان، یک مرد جوان با شهامت و زرنگ است که با مردان کاردینال ریشولیو می‌جنگد.

با توجه به موفقیت زیاد این رمان، دوما تصمیم می‌گیرد قهرمانش را در دو رمان دیگر دوباره ظاهر کند: بیست سال بعد (۱۸۴۵) و ویکنٹ برائولون (۱۸۴۸-۱۸۵۰).

اما دارتانیان کیست؟ شخصیت حقیقی یا قهرمان خیالی الکساندر دوما؟ دارتانیان (شارل دو بتز) متولد ۱۶۱۱ است. او در خدمت پادشاه لویی سیزدهم و سپس لویی چهاردهم است و فرمانده تفنگداران می‌شود. او در سال ۱۶۷۳ در ماستریخت از دنیا می‌رود.

دوما، برای نوشتن رمانش، از شخصیت‌های حقیقی که نقشی در تاریخ فرانسه بازی کرده‌اند الهام می‌گیرد: لویی سیزدهم، آن‌دوتریش، ریشولیو و غیره. قبل از آغاز خواندن رمان، چند عبارت درباره‌ی برخی از این شخصیت‌های معروف ارائه می‌شود.

لویی سیزدهم: پادشاه فرانسه (۱۶۱۰-۱۶۴۳)، پسر هانری چهارم و ماری دو مدیسیس. او در سال ۱۶۱۵ با آن‌دوتریش ازدواج می‌کند و آن‌ها دو پسر، لویی چهاردهم و فیلیپ دورلان، دارند. تمام تصمیمات او با توافق وزیر خود ریشولیو انجام می‌گیرد.

ریشولیو (آرماند جان دو پلسیس، کاردینال، دوک): وزیر لویی سیزدهم، در تمام زندگی سیاسی خود، تنها هدفش تجدید کردن حاکمیت مطلق سلطنتی و استقرار برتری فرانسوی‌ها در اروپاست.

واژگان یا اصطلاحات ستاره‌دار متن، در بخش واژگان، صفحه‌ی ۵۹ توضیح داده شده‌اند.

LE PREMIER LUNDI DU MOIS D'AVRIL 1625, il y a une grande agitation¹ dans le bourg² de Meung. Les gens vont à l'hôtellerie* du *Franc Meunier*, où il y a déjà un groupe important et bruyant. Une fois sur place, on comprend la raison de tout ce mouvement.

Un jeune homme d'environ dix-huit ans, au visage long et brun, à l'œil intelligent, et qui porte l'épée* à la ceinture est en effet le centre d'attention ; enfin pas lui, plus exactement sa monture*, qui est tout à fait extraordinaire : il s'agit d'un petit cheval de couleur jaune, plutôt laid, qui marche la tête plus bas que les genoux. Et c'est surtout lui qui attire l'attention de la foule mais aussi son cavalier*.

Le jeune homme, qui se nomme d'Artagnan et qui est gascon³, sait très bien que ce cheval le rend ridicule mais c'est un cadeau que lui a fait son père quand il a quitté son pays natal pour aller chercher fortune à Paris. Au moment des adieux, son père lui a aussi

1. Agitation : mouvement de personnes qui vont et viennent.

2. Bourg : gros village.

3. Gascon : de Gascogne, ancienne province du sud-ouest de la France.

در اولین دوشنبه ماه آوریل ۱۶۲۵، هیاهوی بزرگی در روستای مونگ برپاست. مردم به مهمانخانه‌ی فرانس مونیر می‌روند که در آنجا گروهی پر سر و صدا جمع شده‌اند. وقتی به محل برسیم علت تمام این جنب و جوش‌ها را می‌فهمیم.

در حقیقت مرد جوانی حدوداً هجده ساله، با صورتی کشیده و گندم‌گون، چشمی زیرک، و شمشیری که به کمر بندش بسته است مورد توجه همه است؛ در واقع نه فقط او، بلکه چهارپایش نیز، که کاملاً غیرعادی است مورد توجه است: یک اسب کوچک زرد رنگ، نسبتاً زشت که هنگام حرکت سرش را پایین تر از زانوهایش می‌گیرد. علاوه بر سوارکارش به ویژه او است که توجه جمعیت را به خود جلب می‌کند.

مرد جوان که دارتانیان نامیده می‌شود و اهل گاسکون است، خیلی خوب می‌داند که این اسب موجب تمسخر او می‌شود اما این هدیه ای است که پدرش وقتی که او سرزمینش را در جستجوی ثروت در پاریس ترک کرد، به او داده است.

remis une petite quantité d'argent et une lettre de recommandation pour M. de Tréville, le capitaine des mousquetaires.

Une fois à Meung, d'Artagnan a décidé de s'arrêter au *Franc Meunier* pour y passer la nuit. En arrivant devant la porte de l'auberge, il voit à une fenêtre un gentilhomme* qui bavarde avec deux personnes qui éclatent de rire à tout moment en regardant notre héros.

D'Artagnan, comprenant qu'on rit de lui, s'avance vers l'impertinent¹, une main posée sur son épée et l'autre appuyée sur la hanche².

– Eh ! Monsieur, s'écrie-t-il, dites-moi de quoi vous riez et nous rirons ensemble.

Le gentilhomme lui répond :

– Je ne vous parle pas, monsieur.

– Mais je vous parle, moi ! s'écrie d'Artagnan, fâché.

Le gentilhomme se retire alors de la fenêtre, sort lentement de l'auberge et s'approche de d'Artagnan.

– Ce cheval a sûrement été bouton d'or³ dans sa jeunesse. C'est une couleur courante pour une fleur mais très rare pour un cheval.

Et l'inconnu tourne le dos et repart vers l'auberge.

D'Artagnan descend de son cheval, tire son épée du fourreau* et se met à le poursuivre en criant :

1. Impertinent : personne impolie.

2. Hanche : partie du corps située sur le côté, sous la taille.

3. Bouton d'or : petite fleur jaune que l'on trouve dans les champs.

در زمان خداحافظی، پدرش همچنین به او مقدار کمی پول و یک توصیه نامه برای آقای دوترویل، فرماندهی تفنگداران، داد.

زمانیکه به مونگ رسید، دارتانیان تصمیم گرفت تا برای گذراندن شب در فرانس مونیتر توقف کند. با رسیدن مقابل در مسافرخانه، از یک پنجره نجیب زاده‌ای را می‌بیند که با دو شخص صحبت می‌کند که هر لحظه با نگاه کردن به قهرمان ما زیر خنده می‌زنند.

دارتانیان که می‌فهمد آنها به او می‌خندند، یک دست بر شمشیرش و دیگری بر کمرش، به سمت مرد بی‌ادب می‌رود. فریاد می‌زند: آی! آقا به من بگویید که به چی می‌خندید تا با یکدیگر بخندیم.

نجیب زاده به او پاسخ می‌دهد: با شما صحبت نمی‌کنم آقا. دارتانیان با عصبانیت فریاد می‌زند: اما من با شما صحبت می‌کنم. نجیب زاده از پنجره کنار می‌رود، به آرامی از مسافرخانه خارج می‌شود و به دارتانیان نزدیک می‌شود.

این اسب بی‌شک در جوانی‌اش گل زرد صحرایی بوده است. این یک رنگ رایج برای گل است اما برای یک اسب بسیار نادر است. ناشناس برمی‌گردد و به سمت مسافرخانه می‌رود. دارتانیان از اسبش پیاده می‌شود، شمشیرش را از غلاف بیرون می‌کشد و در حالی که فریاد می‌زند شروع به تعقیب او می‌کند: